



گتتی‌ایم‌جی: تکس

حزب الله و جنگ در دو جبهه

تاثیر چالش‌های داخلی لبنان بر حضور میدانی اصلی‌ترین رکن محور مقاومت

هستند. با آغاز تحولات جدید خاورمیانه از ۱۷ اکتبر ورود حزب الله به عرصه میدان نبرد و تبادل آتش با اسرائیل در مرزهای جنوبی لبنان، بار دیگر صحنه داخلی و تحولات بر خی احزاب مارونی، چالش جدیدی را برای این گروه محور مقاومت ایجاد کرده است.

▼ حامی دیروز، منتقد امروز

جریان ملی آزاد، حزبی که رهبر پیشین اش، میشل عون، آخرین ساکن کاخ بعداً پیش از ورود مجدد لبنان به خلا سیاسی در سال ۲۰۲۲ بود و پس از تصدی این پست، رهبری حزب را به دامادش، جبران باسیل سپرد، یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین احزاب مارونی لبنان است که از سال ۲۰۰۶ در جریان «توافق مار میخائیل» با حزب الله، در صف متحدان و حامیان این حزب و احزابی همچون امل و المرده، دیگر حزب شاخص مارونی قرار گرفت.

هرچند در سال‌های ریاست جمهوری میشل عون، اختلافات متعددی میان این حزب و شخص جبران باسیل که در مقطعی سمت وزیر امور خارجه را بر عهده داشت، بروز کرد و تلاش شد تا در گفت‌وگوهای درون حزبی به آن پرداخته شود اما نقطه عطف این اختلافات زمانی بروز کرد که در ماه‌های پایانی ریاست جمهوری میشل عون مشخص شد که خیز باسیل برای جانشینی پدر همسرش در کاخ ریاست جمهوری با حمایت هم‌میانانش در جریان ۸ مارس همراه نخواهد بود و حزب الله و امل برای حمایت از سلیمان فرنجیه، رهبر جریان المرده اتفاق نظر دارند.

در همین راستا نیز جریان ملی آزاد در ۸ فوریه ۲۰۲۱ و پیش از پایان رسمی دوران ریاست جمهوری میشل عون اعلام کرد که این حزب خواستار تجدیدنظر در اتحاد با حزب الله است چراکه «این توافق پس از ۱۵ سال در ساختن لبنان و حاکمیت قانون موفق نبوده است».

این اختلافات تا جایی پیش رفت که در جریان مهمترین رای گیری در پارلمان این کشور برای انتخاب رئیس جمهور در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۲۲، باسیل در جبهه احزابی مانند قوات و کتائب قرار گرفت و اعلام کرد به جهاد ازور، نامزد مورد حمایت ۱۴ مارس رای خواهد داد که با رای وی و اعضای حزب متبوعش در پارلمان، ازور موفق به کسب ۵۹ رای در مقابل ۵۱ رای فرنجیه شود؛ هر چند نمایندگان حزب الله و امل، پس از انداختن رای خود از مجلس خارج شدند و به این ترتیب دور دوم رای گیری انجام شد.

با ورود حزب الله به میدان نبردی که از ۱۷ اکتبر در غزه آغاز شده بود، بسیاری از نگاه‌ها متوجه این حزب مهم شد؛ جبران باسیل در ۲۹ اکتبر در مصاحبه‌ای گفت: «ما می‌خواهیم در حالت دفاع از خود باشیم، نه حمله. مزارع شبع در خاک لبنان



فاطمه کلانتاری

خبرنگار گروه دیپلماسی

در حالی که خبر شامگاه جمعه مبنی بر «شلیک بیش از ۵۰ موشک از جنوب لبنان به سمت شمال فلسطین اشغالی» این گمانه را در فضای رسانه‌ای ایجاد کرد که عملیات واکنش تهران به حمله اسرائیل به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در دمشق، با محوریت حزب الله لبنان آغاز شده است، گمان می‌رفت که این همان بزنگاهی است که اصلی‌ترین رکن محور مقاومت در زمان تقابل مستقیم ایران و اسرائیل وارد عمل خواهد شد. پایان این عملیات گسترده اما هیچ نشانه‌ای از اقدام تنبیهی که رهبر انقلاب از آن سخن گفته بود نداشت و در بیانیه حزب الله لبنان نیز تشریح شد که «این موشک‌باران در پاسخ به تجاوزات دشمن صورت گرفته است که در آخرین تجاوزاتش، به شهرک‌های الطیبه و عینا الشعب در جنوب لبنان حمله کرده بود.» ایران در پایان روز شنبه و بامداد یکشنبه در عملیاتی با عنوان «وعده صادق» که آن را «پاسخ متقابل جمهوری اسلامی ایران به سلسله اقدامات رژیم صهیونیستی علیه اتباع و منافع کشورمان» نامید، نسبت به حمله اول آوریل در سوریه واکنش نشان داد اما ترجیح داد تا عملیات خود را آسان و بدون نقش آفرینی بیش از آنچه از ۱۷ اکتبر وجود داشت از سوی محور مقاومت و به‌ویژه حزب الله لبنان، صورت دهد. راهبرد تهران در اجرای وعده صادق اما این واقعیت را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد که حزب الله به‌عنوان اصلی‌ترین رکن محور مقاومت که در میان سایر گروه‌ها، مستقیماً توسط انقلابیون ایرانی تأسیس شد و هیچ‌گاه در طول تاریخ ۴۲ ساله فعالیت، وابستگی، قربانیت و هم‌پیمانی اش را با جمهوری اسلامی ایران کتمان نکرده، همچنان همان آخرین و اصلی‌ترین تیر در خنجر تهران برای مقابله با هرگونه تعرض به منافع جمهوری اسلامی ایران است. حزب الله لبنان از بدو تأسیس و به‌خصوص پس از پایان جنگ داخلی، مسیر پر فراز و نشیبی را در عرصه داخلی لبنان طی کرد تا امروز از یک گروه شبه‌نظامی صرف به یک حزب سیاسی با تمامی مشخصات و مؤلفه‌های آن به معنای واقعی کلمه تبدیل شود که در این سیر چنددهه‌ای نیز چالش‌های متعددی را از سر گذرانده است. ساختار منحصربه‌فرد، پیچیده و طایفه‌ای لبنان، تاریخ پرتحولی را برای این کشور رقم زده که در نزدیک به بیش از ۲۰ سال اخیر آن، حزب الله نقش تأثیرگذاری در آن بازی کرده است. حضور احزاب شاخص مارونی، سنی، دروزی و احزاب ایدئولوژیک یکی از مهمترین چالش‌های حزب الله نت‌ها در عرصه سیاست داخلی که در عرصه بازیگری منطقه‌ای این حزب

اشغال شده است. حزب الله از طریق عملیات خود، حق لبنان برای بازپس‌گیری سرزمینش را تأیید کرده است». رهبر FPM همچنین به افرادی همچون سمیر جعجع، رهبر قوات تاخت و گفت: «وقتی کسی در این مرحله از آنچه شبه‌نظامیان می‌خوانند می‌خواهد که عقب‌نشینی کند، گویی از اسرائیل می‌خواهد که به لبنان حمله کند.»

مواضع باسیل اما تقریباً در نیمه دوم ۶ ماه اخیر چرخش محسوس پیدا کرد و خواستار پایان جنگ و خروج مقاومت لبنان از میدان نبرد شد. رهبر جریان ملی آزاد هفته گذشته در سخنانی گفت: «مجبور نیستیم درگیر جنگ غزه بمانیم، نه می‌دانیم چه زمانی پایان می‌یابد و نه میزان تأثیر و عواقب آن را بر لبنان می‌دانیم. نمی‌دانیم که آیا سیصد شهید، سه هزار می‌شود یا نه. هفتصد خانه کاملاً ویران شده، هفت هزار می‌شود و آیا پنج هزار خانه نیمه‌ویران شده، پنجاه هزار می‌شود! پس منتظر چه هستیم؟ آیا منتظر تأیید جنایات تانیاها هستیم یا معادله قدرت و بازدارندگی را حفظ و آن را تقویت می‌کنیم؟ آیا ما با درگیری‌هایی که متعلق به ما نیست و هزینه‌های زیادی برای ما تحمیل کرده، باقی می‌مانیم و آن را طولانی می‌کنیم؟ آن را برای چه کسی تمدید می‌کنیم؟ به نفع چه کسی؟» وی همچنین افزود: «هیچ لبنانی‌ای خواهان جنگ در کشور نیست. یک نفر به من بگوید که جنگ می‌خواهد! آمریکا و ایران خواهان جنگ در لبنان نیستند! این تانیاها هستند که جنگ می‌خواهد. آیا باید به او فرصت بدهیم تا بیشتر بکشد و نابود کند؟ یا سیاستی اتخاذ کنیم که لبنان را از غزه جدا کرده و خواستار آتش‌بس در لبنان است.»

▼ آتش زیر خاکستر دشمنی قوات

جریان ملی آزاد در حالی به‌عنوان حامی سنتی مارونی جریان مقاومت در لبنان خواهان پایان تبادل آتش در جنوب این کشور شده است که در جبهه دیگر جریان مارونی که آن هم به‌صورت سنتی در مقابل طایفه شیعه، حزب الله و مقاومت قرار دارد، مخالفت با نقش آفرینی حزب الله در جنگ غزه از روزهای ابتدایی پس از آغاز جنگ، با کمپین‌های متعدد رسانه‌ای و تبلیغاتی آغاز شد. سمیر جعجع، رهبر قوات و از چهره‌های رادیکال سیاسی در لبنان از همان روزهای نخست پس از ۱۷ اکتبر بارها در سخنرانی‌هایش حزب الله را به جنگ طلبی و به خطر انداختن منافع لبنان متهم کرده است تا اینکه از هفته گذشته و با یک تحول جدید در عرصه داخلی، این حملات افزایش یافته و ابعاد گسترده‌تری از جمله تاختن مجدد به مسئله مهاجرین سوری پیدا کرده است و با حمله به منازل و مغازه‌های سوری‌ها، عرصه را برای آنچه به‌عنوان تقابل خیابانی در تاریخ معاصر لبنان بارها رخ داده، مهیا کرده است.

هزاران لبنانی روز جمعه هفته گذشته برای تشییع پیکر یکی از مقامات حزب قوات لبنان که توسط یک باند آدم‌ربایی و سرقت کشته شده بود، گرد هم آمدند و در حالی که هیچ سندی مبنی بر نقش آفرینی حزب الله در این عملیات وجود ندارد، انگشت اتهام را به سمت این گروه گرفتند.

روز یکشنبه هفته گذشته، حوالی ساعت ۶ بعدازظهر، پاسکال سلیمان در حومه شهر خرید، در منطقه جبیل، در حالی که از مراسم تشییع جنازه یکی از بستگانش به خانه بازمی‌گشت، ماشینش از جاده خارج شد. چهار مرد که سوار ماشین دیگری بودند، راه او را بستند و او را مجبور به توقف کردند. به گفته بسام مولوی وزیر کشور، این چهار مرد در خودرویی بودند که چند روز

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

نمایندگان جمهوری خواه و دموکرات پشت تیربار قرار گرفتند

نمایندگان کنگره آمریکا که تا پیش از این چیز زیادی در مورد مرگ ۲۳ هزار فلسطینی، که اغلب آنها غیرنظامیان بی‌گناه بودند، توسط بمب‌ها و گلوله‌های توپ اسرائیلی در انتقام حمله ۷ اکتبر، نگفته بودند یا کاملاً سکوت کرده بودند، بعد از حمله پهلادی و موشکی شنبه شب ایران به اسرائیل بلافاصله پشت تریبون‌ها رفتند و این حمله را یک اقدام «غیرمتناسب» توصیف کردند. ایران این اقدام را در واکنش به کشته شدن ۷ مقام خود در حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در پایتخت سوریه که به اعتقاد بسیاری (به جز اکثر کشورهای غربی حامی اسرائیل) غیرقانونی بود، انجام داد. بسیاری اقدام نظامی ایران را یک عملیات بسیار برنامه‌ریزی شده با هدف رساندن پیام مشخص توصیف کردند که حتی اگر قرار باشد عملیات محدودی باشد، که بود، پیامش را برساند. پس از آنکه پهلادها و موشک‌ها پرتاب شدند، ایران به معنای دقیق کلمه اعلام کرد که ارسال پیامش به اسرائیل «پایان پذیرفته است.» صبح روز یکشنبه اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها گفتند که ۹۹ درصد از بیش از ۳۰۰ پرتابه ایران را توسط سامانه‌های دفاعی شان سرنگون کرده‌اند. براساس این گزارش‌ها هیچ تلفاتی وجود نداشت، اما یک دختر ۷ ساله با جراحات‌های مهلک در بیمارستان بستری شد؛ ترکش‌های یک موشک منهدم‌شده در آسمان با خانه او برخورد کرده بود. اعضای دموکرات و جمهوری خواه کنگره که اغلب آنها در ساره مرگ ده‌ها هزار نفر از اهالی غزه که به دلیل حمله حماس تنبیه می‌شوند، کشته و معلول می‌شوند، گرسنگی می‌کشند، آواره می‌شوند و زیر آوار می‌مانند، سکوت کرده بودند، سروصدای زیادی در مورد نتایج حمله ایران راه انداختند. جمعیت هلال احمر فلسطین این هفته گفته بود که ۱۰۰۰ کودک در غزه یک یا دو پای خود را از دست داده‌اند. برآورد می‌شد که تا ماه فوریه ۱۷ هزار کودک بدون همراه و تنها مانده‌اند. براساس تمامی گزارش‌ها حتی اگر حملات اسرائیل هم تمام شود، چیز زیادی باقی نمانده است که شهروندان غزه برای زندگی به آنجا برگردند. اما شیلا جکسون لی، نماینده دموکرات تگزاس، می‌خواهد همه بدانند که آنچه ایران شنبه انجام داد «تورسیم» و «اقدام نامتناسب» و تهدیدی علیه «جهان آزاد» بود. ناگهان تعداد زیادی از نمایندگان کنگره که کمک‌های مالی از لابی هوادار اسرائیل AIPAC دریافت کرده بودند، با شبکه‌های اجتماعی و تلویزیونی رفتند تا در مسابقه با یکدیگر ایران را خشم‌گینانه محکوم کنند. مارشال بلکبرن، سناتور جمهوری خواه از رئیس جمهور بایدن می‌خواهد به ایران حمله کند. راجر ویکر، دریافت‌کننده کمک‌های AIPAC و بلندپایه‌ترین نماینده جمهوری خواه در کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا روز شنبه در بیانیه‌ای گفت: «الان لحظه‌ای است که ایالات متحده نشان دهد ما در کنار متحدانمان ایستاده‌ایم. دشمنان مشترک ما و نیروهای نیابتی شان باید بدانند که تعهد ما تزلزل‌ناپذیر است. ما باید به اسرائیل بی‌پندیم تا اطمینان حاصل کنیم که تعرض ایران با اقدام قاطع و توان گسترده پاسخ داده خواهد شد.» تردیدی وجود ندارد که ایران به حماس کمک مالی می‌کند و با رهبری این گروه همکاری نزدیک دارد. اما بعد از ماه‌ها جدل و بحث همچنان نمی‌دانیم که آیا ایران مستقیماً در عملیات کردن حملات ۱۷ اکتبر نقش داشت یا نه. مهم‌تر اینکه تهران در ارتباط دائم با واشنگتن بود تا اطمینان حاصل کند که جنگ غزه از طریق نیروهای نیابتی اش به سراسر منطقه سرریز نمی‌کند. آنها حتی شبه‌نظامیان هوادار ایران را در زمینه حمله به پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق و سوریه تحت کنترل قرار دادند. حالا واکنش محدود و مشورت‌شده در برابر دومین اقدام تروزیستی علیه مقام‌های ارشد ایران از ۱۷ اکتبر شده است اقدام «تروزیستی» و «افراطی‌گری» که باعث می‌شود نمایندگان کنگره حتماً به آن واکنش نشان دهند تا جایی که اگر نگوییم وطن‌شان، دست‌کم جان نیروهای نظامی خودشان را در منطقه به خطر بیناندازند. نهایتاً اینکه هر کسی این شعارها را می‌شنود، باید توجه کند که جان بولتون هم خواهان جنگیدن آمریکا در کنار اسرائیل علیه ایران است. فراموش نکنید که بولتون فردی بود که پشت تک‌تک شکست‌های امنیت‌ملی و سیاست خارجی آمریکا از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون قرار داشت. اگر آن‌گونه بین بولتون و ترامپ دعوا نشده بود، بعید نبود که هنوز او را در آن سوی حصارهای کاخ سفید و پنتاگون ببینیم. اما آیا اصلاً چنین مسئله‌ای برای دموکرات‌ها و جمهوری خواهانی که تا این اندازه ستیزه‌جو شده‌اند، اهمیتی دارد؟